

می‌خواهم در ایران بمیرم

سید محمد سناده زاده ۸۳ ساله، اولین کسی است که ۴۹ سال پیش اولین پیوند کلیه را در ایران انجام داد. او در توضیح زندگی خود می‌گوید: در سال ۱۳۱۲ در شهر دزفول و در یک خانواده روحانی متولد شدم. پدر بزرگم شاعر بود و طبع شعری در خانواده‌مان وجود داشت. دوران کودکی و نوجوانی را تا کلاس نهم در دزفول گذراندم و ادامه دوران تحصیلم در تهران گذشت. در سال ۱۳۳۳ هم از مدرسه دارالفنون در رشته طبیعی فارغ‌التحصیل شدم.

همان سال هم در کنکور دانشکده پزشکی تهران قبول شدم و سال ۱۳۳۹ فارغ‌التحصیل شدم. سال ششم پزشکی بود که برای دوره تخصص و ورود به دانشگاه پیتزبورگ آمریکا امتحان دادم و قبول شدم.

من از لحظه‌ای که رفتم، همواره به فکر بازگشت به وطنم بودم. به‌رحال وجود ما برای وطن بیشتر مورد نیاز بود تا برای آمریکا. یک داستان برایتان بگویم؛ من در کنفرانس‌های علمی که بیرون از کشور بود، شرکت می‌کردم و هر بار که به سفر می‌رفتم، بیمارانم نگران می‌شدند که آقای دکتر آیا برمی‌گردید یا نه؟ به همین دلیل تابلویی در ورودی مطبم قراردادام با این مضمون که: «ایرانی هستم، خونم آریایی است، زبانم پارسی است، احساسم شرقی است، سفر را دوست دارم، کوچ را هرگز، می‌خواهم در ایران بمیرم.» برای بازگشت با بیمارستان نمازی شیراز قرارداد بستم؛ چون این بیمارستان و دانشگاه شیراز وابسته به دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا بود و ما که فارغ‌التحصیل می‌شدیم، دانشگاه پنسیلوانیا نامه می‌نوشت برای ما و امکانات داخل ایران را برایشان توضیح می‌داد که یکی از این امکانات ادامه کار در بیمارستان نمازی بود.

بعد از برگشت به ایران، به خدمت سربازی رفتم. در همان دوران، گروه خودم را برای این پیوند تشکیل دادم. آن دوران دوستانی کنارم



حضور داشتند مثل دکتر ایرج فاضل، دکتر اکبر سمیعی، دکتر نوری قهرمان و بقیه همکاران که در دو گروه‌مان مشغول خدمت شدید. همان زمان به فکر راه‌اندازی پیوند کلیه در ایران بودم.

سربازی که در شرف پایان بود. من تقریباً تمام مسیر و نحوه اجرای کار عمل پیوند را آماده کرده بودم. آن زمان ۳۳ ساله بودم و مجری تلویزیون بعد از عمل از من پرسید که چطور جرات چنین عملی را پیدا کردید. من در پاسخ گفتم که پشتوانه علمی من به من این جسارت را بخشید که منتظر معجزه نمانم و دست به کار شوم.

من سال ۱۳۴۷ با درجه استادیار وارد دانشگاه شیراز شدم. اولین پیوند کلیه را آن‌ماه ۱۳۴۷ انجام دادم البته جوطوری بود که زیاد مورد استقبال قرار نمی‌گرفت. اما اگر من شروع نمی‌کردم، پیوند کلیه هم شروع نمی‌شد.



تابلویی در ورودی مطبم قراردادام با این مضمون که: «ایرانی هستم، خونم آریایی است، زبانم پارسی است، احساسم شرقی است، سفر را دوست دارم، کوچ را هرگز، می‌خواهم در ایران بمیرم.»

